



دکتر غلامعباس توسلی؛ در متن تاریخ

افسانه توسلی*

کار آمدن قوام و بیانیه او تحت عنوان «کشتی بان را سیاست دیگری آمد»، رفتن و آمدن دکتر مصدق و کودتا و تیر بستن مردم در ۳۰ تیر آرام آرام شکل می گرفت. شرکت او در مهدیه، جایی که از سیاست‌های مهندس بازرگان و محمد تقی شریعتی صحبت می شد، سخنانی که جنبه سیاسی-فرهنگی داشت و همیشه در ادامه به منازل کشیده می شد در یافتن مسیری که تا انتهای عمر آن را طی کرد بی تاثیر نبود.

حتی اتفاقات ساده نیز او را با افرادی آشنا می کرد که در متن تاریخ قرار داشتند. دکتر توسلی برای اولین بار از مشهد به سوی تهران راهی شد. با اتوبوس شورلت ۱۹۴۸ یا ۲۰ نفر مسافر طی یک شبانه روز. او که برای آمادگی آزمون کنکور پس از اسکان در منزل اجاره ای خیابان ناصرخسرو آنقدر درس خواند و درس خواند و درس خواند، که بیمار شد، به درمانگاهی در نزدیکی دارالفنون مراجعه کرد. خانم دکتر معاینه اش کرد. از دلشوره اش برای آزمون دانشسرای عالی خبردار شد و او را به مطب همسرش دکتر کاسمی هدایت کرد. دکتر کاسمی که وی را بدون حق ویزیت معاینه کرد همان بود که بعدها معاون دکتر اقبال در حزب ملت ایران شد، شربتی تجویز کرد که او را بهبود بخشید و توانست آزمون را با رتبه اول بگذراند.

در هر حال از وقایع دوران دانشجویی دانشسرای عالی، دکتر توسلی همواره از اعتراض به کنسرسیوم که با اخراج ۱۱ استاد دانشگاه تهران از جمله دکتر سحابی، مهندس بازرگان و دکتر قریب و تاسیس شرکت «یاد» همراه بود یاد می کرد. استقلال دانشگاه تهران در آن زمان به حدی بود که وقتی وزیر از دکتر سیاسی درخواست کرد که به وزارتخانه برود و در مورد این اعتراض توضیح دهد دکتر سیاسی امتناع کرد و گفت این وزیر است که باید به دانشگاه تهران بیاید.

دکتر توسلی در دانشسرای عالی چندین کتاب ترجمه کرد اما هنگامی که خواست آن را به چاپ برساند، خودداری کرد و احساس کرد باید در مسیر علمی تری گام بردارد. از دوران دانشسرای عالی خاطرات زیادی از او نقل است و اینکه چطور برخی وی را تشویق می کردند که به کافه ها برود و به خوشگذرانی های دوران جوانی بپردازد اما او سر از کانون های روشنفکری در می آورد. در آن دوران کتاب های بسیاری

دکتر غلامعباس توسلی متولد سال ۱۳۱۴ در خراسان است. دهه اول و دوم قرن سوم از هزاره خورشیدی در ایران مصادف است با هرج و مرج داخلی، آشفتگی اوضاع اجتماعی و سیاسی، عدم امنیت، فقر و قحطی، پراکندگی نیروهای اجتماعی و مهمتر از همه جنگ جهانی اول و دوم و دخالت های آشکار قدرت های خارجی نظیر روسیه تزاری، انگلستان، آلمان و عثمانی در امور داخلی ایران. آثار مدرنیته از تقلید از آتاترک گرفته تا رشد و توسعه آموزش و پرورش در شهرها و تبدیل مکتب خانه ها به مدارس جدید و ظهور علوم نو از مشخصه های آن دوران است. دورانی که دکتر توسلی کودکی خود را در آن سپری کرد.

نوجوانی و دبیرستان با فراری شدن قوام السلطنه و بر سرکار آمدن دکتر مصدق در ۳۰ تیر و سپس کودتای ۲۸ مرداد طی شد و از همان زمان گرایشش به نهضت ملی شکل گرفت. ورود او به دانشسرای عالی نیز مصادف بود با زمانی که مردم به دو دسته مصدقی و غیرمصدقی تقسیم شده بودند. پیشینه مذهبی دکتر توسلی از تمایلش به گروه های چپ که در آن زمان بسیار فعال بودند جلوگیری می کرد و از آن سو رفت و آمد او با طرفداران نهضت ملی هر روز بیشتر و بیشتر می شد.

شاید همین گرایش های فکری و سیاسی بود که سرنوشت علمی او را رقم زد. با نمرات بسیار بالایی که اخذ کرده بود برای ورود به سال آخر دبیرستان در حالی که بین رشته ریاضی که به آن علاقه وافری داشت و رشته طبیعی که آینده شغلی بهتری داشت سرگردان بود، نزدیک باغ نادری با استادی در دوره دانشسرای مقدماتی به طور اتفاقی برخورد کرد و از دغدغه اش در انتخاب رشته صحبت کرد و اینکه کدامیک از این دو رشته را بهتر است انتخاب کند. همان زمان بود که با پاسخی روبه رو شد که آینده اش را رقم زد و بدین ترتیب پس از گذراندن نگرانی های فکری بالاخره در دبیرستان شهرضا در سال ششم نه در رشته ریاضی و نه در رشته طبیعی بلکه در رشته ادبی ثبت نام کرد و بدین ترتیب وارد گذرگاهی شد که چندان متداول نبود.

گرایشات فکری او راه را برای ارتباط با استاد محمد تقی شریعتی و مهندس بازرگان در کانون نشر حقایق اسلامی یا مسجد بناها که سخنرانی های مقاومت ملی در آن انجام می شد باز کرد. به طور کلی مشی سیاسی او از زمان روی

استقلال دانشگاه تهران در آن زمان به حدی بود که وقتی وزیر از دکتر سیاسی درخواست کرد که به وزارتخانه برود و در مورد این اعتراض توضیح دهد دکتر سیاسی امتناع کرد و گفت این وزیر است که باید به دانشگاه تهران بیاید